

# دفاع آقای وثوق الدوله

.... اجتهاد شخصی من این بود که از ابراد و اعتراض اندیشه نباید کرد و بمشکور شدن یا نشدن مساعی اهمیت نباید داد و از محوشدن و جاهت و حسن شهرت نباید ترسید. نتیجه این منطق این بود که بنده در شدید ترین مواقع قبول مسئولیت کردم و در هر موقع هم بر حسب عقیده و وجدان خود بر آنچه بهترین و جوه و اقل محضورها تشخیص دادم تصمیم کردم.....

با همه اینها عرض میکنم بنده مدعی عصمت و مصونیت از خطا و زلل نیستم و هیچیک از آقایان هم نباید باشند. خیلی ممکن است در تشخیصات خود سهو کرده باشم ولی اطمینان میدهم که هیچ وقت بعمد نخواسته‌ام ضرری بمملکت متوجه کنم بلکه مقصودم جلوگیری از ضرر بوده است.....

بعد از این مقدمه اول در موضوع قرارداد ۱۹۱۹  
 کیفیت موقع  
 که نقطه بر جسته اعتراض آقای دکتر مصدق است  
 قرار داد  
 بحث میکنم و قبل از آنکه داخل در ماهیت آن  
 بشویم بعقیده بنده لازم است در کیفیات و خصوصیات

موقعیکه قرارداد در آن موقع منعقد شد داخل شویم .

البته آقایان محترم فراموش نفرموده اند که در دوازده سال قبل حادثه بزرگ جنگ بین المللی در اروپا واقع شد ..... دول متهاجم از هر طرف بیطرفی ما را تقض کردند و اراضی ایران هم یکی از میدانهای جنگ واقع شد اما دستجات ملت و مردم ایران هم بر اثر عدم توانائی و بی اسبانی دولت و ورود قشونهای اجنبی و تبلیغات آنها هر کدام سیاستی برای خود اتخاذ کردند و کار مملکت منتهی بیک نوع هرج و مرج فکری و عملی گردید در نتیجه آن قوای تأمیننده مملکت که بازحات و مخارج زیاد تشکیل شده بود معدوم گردید اغشاش و ناامنی و دزدی و غارتگری و خود سری و طغیان در سرتاسر مملکت طبیعی و عادی شد حتی در شهر طهران قوای 'زوربسم' و آدم

کس حامدعی حاکمیت شدند قحطی و گرسنگی و در اثر آن امراض مهلکه عوامل بدبختی های دیگر واقع شدند. در مقابل تمام این بدبختیها دست دولت های وقت نمی و وسایل چاره از هر حیث مفقود و مالیاتهای داخلی بر اثر وقایع فوق لاوصول عایدات که رکات بواسطه فلج نام تجارت منتهی بضرر و تحصیل هر نوع عایدی حتی توسل باستقراض خارجی غیر مقدور بود. بنده در شدیدترین موقع جریان این قضا با و در وقتی که هنوز جنگ اروپا نا تمام و نتیجه اش نامعلوم و تمام عوامل بدبختی در ترقی بود باز ما مورشدم که بدنامیهای جدیدی برای خود ذخیره نمایم. البته از گران با مسئولیت نرسیدم و بالاخره با زحمت و مشقت شبانه روزی و تضادم با هزار اسلسله ناگفتنی به تجدید تشکیل قوای تأمینیه مملکت و تهیه اسلحه و مهمات برای آنها و قلع و قمع اشرا و یاغیانی که سالیان دراز امنیت عمومی را تهدید میکردند و تأمین ارزاق عمومی و راه انداختن چرخ های از کار افتاده ادارات دولتی و امثال این امور موفق شدم. در این بین جنگ اروپا خاتمه یافت . . . . .

بلی جنگ اروپا خاتمه یافت اما هنوز خاک مملکت ما سنگر قشون اجنبی بود و مخاطرات بسیار از انواع مختلف حیات ما را تهدید می نمود . . . . . از همه اشکالات مهمتر این بود که در تحت تأثیر وضعیات فوق و نظر بفقدان تمام وسایل در داخله مملکت محتاج به تحصیل کمک خارجی بودیم. هر نوع استمدادی از مراکز خارجی دیگر با اوضاع آروزه دنیا ممنوع بود حتی ما مورین و نمایندگان ما در کنفرانس صلح عمومی دچار اشکالات شده به اظهار مقاصد ملی ما موفق نگردیدند. اضطرار حقیقی داعی شد که با مملکت را تسلیم حوادث کرده از معرکه بگریزیم یا با مرکز واحدی که در آن موقع استمداد از آن ممکن بود (یعنی انگلستان) داخل مذاکره و قراری بشویم . . . . .

حالا اگر اجازه میفرمائید قدری هم در اهمیت

قرارداد حرف بزیم. نقاط اصلیه قرارداد ۱۹۱۹ که

عنی الظاهر بیشتر مورد تنقید معترضین است اینهاست:

که دولت متعاهد ما وعده میدهد که مستشارها

در اهمیت  
قرارداد

و متخصصینی که لزوم استخدام آنها با توافق نظر طرفین ثابت شود بما بدهند و مستشارها و متخصصین مزبوره بموجب کمترت با خود مستخدمین اجیر شوند و اختیارات آنها با توافق نظر بین دولت ایران و خود متخصصین تعیین شود. پس چون تعهد اولی بکطرفی بوده و در خصوص لزوم استخدام هم توافق نظر طرفین شرط شده و برای عدم استخدام یا عدم حصول توافق نظر حکم خاصی معین نشده نتیجه عدم اجرا از طرف ما در هر موقع فقط انتفای شرایط دیگر از قبیل استقراض و تعهداتی که در مسأله ضمیمه قرارداد شده و بالاخره لغو شدن قرارداد می توانسته است باشد و این ماده مطلوب مخالفین و متعرضین قرارداد بوده و تالی فاسد دیگری حقا بر آن مترتب نمی شده است اما راجع باختیارات مستشارها که موقوف به توافق نظر ما بین اولیای دولت ایران و خود مستشارها بوده و رأی دولت متعاهد مدخلیت نداشته مطابق اصولی است که فعلاً نیز با مستشارهای امروزی دولت از آن قرار معامله می شود. گذشته از مراتب فوق مابین متعاهدین همیشه مفهوم و مسلم بوده است و بعد هم بر حسب بیانات رسمی نمایندگان طرفین و بیانیه هائی که اینجانب در همان وقت داده ام تاکید شده است که اجرای قطعی قرار داد منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران خواهد بود و هرگاه از نقطه نظر احتیاجات با اجرای بعضی از مواد شروع گردیده محکوم به نسخ بودن آن اقدامات موقتی هم در صورت عدم تصویب مجلس بین طرفین مفهوم و مسلم بوده است چنانکه عملاً هم همین ترتیب واقع شد و در ساعت حاضر قرار داد هرچه بوده با رضای طرفین منسوخ و ملغی شده و اگر آری هم از یکی از مواد آن باقی است ظاهراً بصرفه و صلاح است « مقصود قسمت تعرفه گمرکی است که فعلاً بان عمل میشود »

اما فلسفه حقیقی قرارداد و علل مهم تر و بزرگتری که انعقاد آن را ایجاب کرد مشکلات ایفای به تعهدات برای یکی از دو طرف متعاهد و موجباتی که مصالح را تغییر داد و علت و معلول های نارنجی که بر اثر یکدیگر

واقع شدند و در تغییر عقاید و سیاست‌ها تأثیر کردند و بالاخره اینکه عامل لغو شدن چه بود تمام اینها مسائلی هستند که هم از حوصله بیانات امروزی من و هم از مقتضای صلاح وقت خارج است انشاء الله این حقایق را وقتی در آثار محققین سیاست خواهید خواند و با فکر روشنتر در قضا یا حکم خواهید کرد راجع به صد و سی هزار لیبره همینقدر میتوانم عرض کنم که اگر به آقای دکتر مصدق از این بابت چیزی رسیده است به بنده هم رسیده است و اگر مسلم شود من همچو وجهی گرفته‌ام علاوه بر آنکه برای غرامت باضعاف آن حاضر تمام اعتراضات آقای دکتر مصدق را بر خود وارد میدانم. هرگاه مجلس لازم بداند حاضر این عرایض را در هر کمیسیونی مجلس تعیین نماید اثبات نمایم.

اینکه میفرمایند بنده اخلاق عمومی مردم را خراب کرده و اجزاب ایران را متلاشی کردم این فرمایش بقدری برفلسفه و دقیق بود که من از فهم آن عاجز و نمیتوانم تشخیص بدهم که بچه وسیله اخلاق عمومی را فاسد کردم یا احزاب را چگونه متلاشی کردم. وجود حزب در مملکت معلول علت هائی است که هر وقت آن علتها موجود بشوند احزاب هم موجود میشوند و من و امثال من نمیتوانیم آنرا معدوم یا متلاشی نمائیم و اگر آن علل موجود نشوند من و آقای مصدق نمیتوانیم حزب بسازیم. امیدوار هستم علل وجود احزاب صالح در مملکت موجود شود و هر وقت شد بنده نیز در آن حزب داخل شوم.

اخلاق عمومی  
و احزاب

در خانمه مناسب میدانم خاطر معترض محترم را

باین نکته متوجه نمایم که اعتراض و تنقید در صورتی

حائز

مطلوب و مؤثر است که از رویی طرفی و بی

غرضی باشد و بی طرفی و بیغرضی در صورتی رعایت میشود که اگر در عملیات

شخصی که طرف تنقید است قسمت‌های مستحسنی هم یافت شود طرف توجه

و قدرشناسی واقع شود . . . . .

آقای دکتر مصدق لازم دانستند در مورد قرار داد ۱۹۱۹ بشرح و بسط افاده مرام کنند ولی مثلاً در موضوع يك قرار دادی که در ۱۹۱۶ مابین يك رئیس الوزرای ایران و دو دولت خارجی منعقد شد و در آن اختیارات نامه راجع بمالیه مخصوصاً اختیاراتی که از خصایص مجلس شورایی ملی و حاکمیت مملکت است از قبیل تصویب بودجه ها و وضع مالیاتهای جدید و نسخ و تغییر مالیاتهای گذشته و غیره بيك کمسیون مختلط که اکثریت آن کما و کیفاً مامورین رسمی سفارت های خارجی بودند داده شده بود و قرار داد مزبوره بالاخره عملاً در جریان افتاد و فقط بسمعی و اهتمام من نسخ و ابطال شد چیزی نگفتند . . . . .

و اگر گفتند طوری غرض آلود گفتند که خیلی از اثر تنقیدات ایشان کاست و همچنین زحمانی را که بنده برای اقامه نظم و امنیت و جلوگیری از هرج و مرج و نجات مردم از قحطی و گرسنگی کشیدم قابل ذکر ندانستند پس حق دارم عرض کنم محرك تنقیدات ایشان صرف وطن پرستی و خیر خواهی مملکت نبوده است .

يك نکته ديگر را هم لازم میدانم به ایشان متذکر شوم که غالب محصلین و مبتدی های سیاست در دوره تحصیلات خود يك دوره درس تحصیل و جاهدت را لازم میدانند و اگر ایشان فعلاً در آن دوره از تحصیلات خود واقع هستند البته بنده ایراد و اعتراضی بر ایشان ندارم ولی باید عرض کنم که من در دوره تحصیل سیاست از تعلیمات این کلاس بکلی صرف نظر کردم و از کلاس ماقبل مستقیماً و بطور ظفره بکلاس بعد رفتم باین جهت در مبارزه عوام فریبی و وجاهدت طلبی ممکن است مغلوب شوم

ولی از ایشان سؤال میکنم که لا اقل در موقعیکه سخن از منافع عالیه مملکت گفته میشود آیا بهتر است باز هم ورزش آن کلاس را تکمیل نمایند یا شاگرد بنده بشوند؟

# عالم اسلام

امير فيصل ، ملك بين النهرين



عبد الكريم، قائد ريف

زعول باشا ، رئيس مليون مصر

